

خواهد شد. تهدید او در سال ۱۹۸۰ با حمله عراق به ایران جامعه عمل می‌پوشد. پس از سخنان نمایندگان کشورهای عربی معترض، نماینده ایران به تشریح مواضع تهران پرداخته و اعلام کرد "نمایندگان شورای امنیت توجه دارند که نمایندگان عراق، الجزایر، لیبی و یمن جنوبی در سخنان خود به وضع خطرناکی که اشغال جزایر ابوموسی، تنب بزرگ و کوچک توسط ایران در منطقه به وجود آورده اشاره کردند. آنها این واقیعت را نایده گرفته‌اند که اعمال حاکمیت بر ابوموسی با موافقت و رضایت قبلی شارجه صورت گرفته است" وی می‌افزاید "در مورد ۲ جزیره تنب کوشیدیم راه حلی از طریق گفت و گو پیدا کنیم. لیکن کوشش‌ها به شکست انجامید. وقتی تلاش‌های ما به نتیجه نرسید گریزی برایمان نماند جز این که حاکمیت خود را به ۲ جزیره اعمال کنیم. نباید فراموش شود که این قلمرو بیگانه نبود. قلمرو ایران بود. همیشه قلمرو ایران بوده و همیشه در قلمرو ایران خواهد ماند."

پس از سخنان نماینده ایران، شورای امنیت بدون اشاره به خروج نیروهای ایرانی و یا تایید خواسته کشورهای معترض، توصیه می‌کند اختلافات در این زمینه از راه مذاکره و به وسیله شخص ثالثی حل و فصل شود.

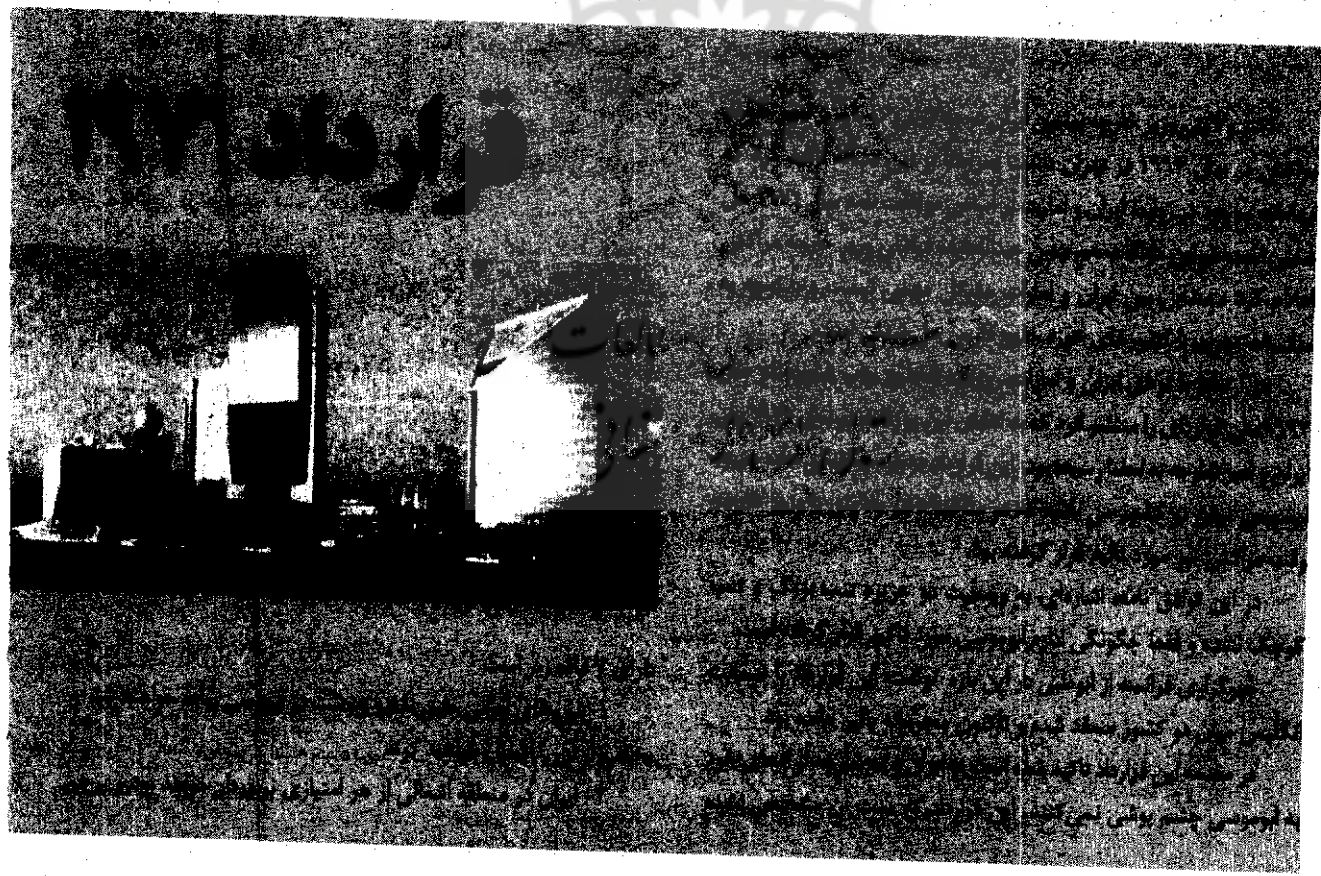
### مشکل با جمهوری اسلامی

خروج انگلیس از خلیج فارس، افزایش نفوذ آمریکا را در پی داشت. آمریکا نیز برای حفظ سلطه خود سیاست ستون‌های دوقلو را پیش گرفت که شامل قدرت نظامی ایران و توان اقتصادی عربستان می‌شد. این وضعیت ادامه داشت تا این که انقلاب سبب تغییر حاکمیت در ایران

گردید. از این پس شرایط دگرگون شده و ایران که سال‌ها دوت و متحد آمریکا بشمار می‌رفت با پیش گرفتن سیاست نه شرقی - نه غبی در صف دشمنان و مخالفین واشنگتن قرار گرفت. در این حال ستورهای دوقلو آمریکا فرو پاشید و از بین رفت.

در این سال‌ها امارات به تدریج زمزمه‌های خود را در باره جزیره آغاز کرد تا این که با اعلام استقرار موشک‌های کرم ابریشم و اسکاد توسط ایران در ابوموسی و تهدیداتی که از سوی تهران مبنی بر بستن تگه هرمز و جلوگیری از تردد نفتکش‌ها صورت گرفت، امارات به صوبی جدی‌تر خواسته‌های خود را مطرح کرده و به تقویت موضع سیاسی خود پرداخت. ولی با وجود این که امارات در این سال‌ها با جدیت خواسته خود را پی می‌گرفت و از هر تریبون و حربه‌ای برای مطرح کردن این صاله استفاده می‌کرد ایران سکوت اختیار کرده و یا از حوادث دنباله‌روی زده است. با روی کار آمدن خاتمی و سیاستی که تهران برای توسعه روابط با همسایگان در پیش گرفت تحولاتی در روابط خارجی ایران به وجود آمد. بعوری که ایران که به دلیل سیاست آمرانه و پرخاشگرانه خود منزوی شده بود دست دوستی به سوی جهانیان از جمله همسایگان دراز کرده و رابطه با آنها را بهبود بخشید.

بهبود رابطه با جهانیان و همسایگان، ایران و امارات را وادار کرد تا مجدداً بر سر میز مذاکره نشسته و درصدد حل و فصل اختلافاتشان برآیند. سیاست همزیستی مسالمت آمیز که تهران پیش گرفت و دستاوردایی نظیر انعقاد قرارداد امنیتی با عربستان در پی داشت به نفع ایران بوده و سبب خروج این



خارجی بوده است. زیرا اگر آنها به کوچک‌ترین موفقیتی دست می‌یافتند با بوق و کرنا به اطلاع مردم رسانده و گوش فلک را کر می‌کردند.

یک مساله دیگر هم در این مقطع حائز اهمیت و یادآوری می‌باشد اینکه متأسفانه برخی از مسئولین ایرانی بدون در نظر گرفتن شرایط منطقه‌ای و بین‌المللی با استفاده از تریبون‌هایی نظیر نماز جمعه و یا میزگردهای فرمایشی تلویزیونی، اقدام به بیان و بازگو کردن مسایلی می‌کنند که عاری از واقعیت بوده و صرفاً مصرف داخلی دارند. بیان این مسایل هر چند ممکن است در داخل مفید تلقی شود ولی از آنجایی که در خارج از مرزها کارایی ندارند اثرات منفی برجای گذارده و در دراز مدت می‌توانند مشکل آفرین شوند.

عدم برخورد صریح و شفاف با مردم که نشانه بی‌توجهی به افکار عمومی و خواسته جامعه می‌باشد تاکنون لطمه‌ی بسیاری را به کشور وارد کرده ولی از آنجا که سیستم اداره دستگاه دیپلماسی خارجی و سفارتخانه‌ها، بسته و محدود کننده می‌باشد و حاضر به اطلاع رسانی به افکار عمومی نیستند نمی‌توان انتظار تحول و پیشرفت را از این سیستم داشت زیرا در تفکر ایلی و قبیله‌ای که با تفکر ملی و مصالح ملی مغایرت دارد افکار عمومی و خواسته مردم از اهمیت برخوردار نیستند.

لذا ایران اگر درصدد است در پرونده ۳ جزیره به بلای خزر دچار نشود باید مسایل را صادقانه با مردم در میان گذاشته و به تشریح موقعیت طرفین بپردازد تا مردم نیز در جریان مسایل قرار گرفته و خود را برای مقابله با توطئه‌ها و تهدیدات آماده کنند. در غیر این صورت موفقیتی حاصل نشده و امارات قادر خواهد بود خواسته‌های خود را گام به گام محقق گرداند.

کشور از انزوا گردید. ایران که خردورزی سیاسی را پیش گرفته و سومر قنار قاعده مند را طرد کرده بود توانست به زودی جایگاه خود را در منطقه بدست بیاورد ولی به مرور زمان تجربه نشان داد که با دخالت‌هایی که در مسایل بین‌المللی می‌شود و ضعف و ناتوانی دستگاه عریض و طویل دیپلماسی خارجی نمی‌توان چندان به فعال شدن این دستگاه امیدوار بود.

دستگاه عریض و طویل دیپلماسی خارجی که بنا به دلایلی از اطلاع رسانی شفاف در باره مسایلی نظیر وضعیت ۳ جزیره و خزر خودداری می‌کند متأسفانه نشان داده که برای تحقق خواسته‌های تهران نمی‌توان امیدچندانی به این مجموعه بست. لذا این ترس وجود دارد بلایی که در خزر بر سر ایران آمد و یا مشابه مشکلاتی که در ارتباط با فعالیت‌های هسته‌ای ایجاد شده در باره ۳ جزیره هم در موضعی ضعیف و غیر قابل دفاع قرار گرفته و همه چیز را از دست بدهیم که در این صورت با ترکمن چای یا گلستان دیگری مواجه خواهیم شد.

ایران بارها بر این مساله پافشاری کرده که هیچ پیش شرطی را برای مذاکره با امارات نمی‌پذیرد. ولی سؤال این است حال که امارات جبهه‌ای فراگیر از اعراب، آمریکا، روسیه، اتحادیه عرب و سازمان‌های بین‌المللی و منطقه‌ای را برای پیشبرد اهداف خود ایجاد کرده و سیاستمداران و رسانه‌های گروهی را نیز بکار گرفته، تهران برای اثبات حقانیت خود دست به چه کارهایی زده است؟

به نظر می‌رسد یکی از دلایل سکوت تهران در قبال ماجرای ۳ جزیره و دنباله‌روی از تبلیغات و فعالیت‌های امارات، خالی بودن دست دستگاه دیپلماسی

